

بررسی ماهیت و وضعیت حقوقی قرارداد خرید دین با امعان نظر به موازین فقهی و مقررات بانکی*

محمود عربشاهی کریز**

مجتبی زاهدیان***

چکیده

نهاد حقوقی خرید دین در حقوق ایران به موجب ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه به طور رسمی در نظام حقوقی کشور مورد شناسایی قرار گرفته است. نهاد مذکور با پیشینه فقهی طولانی از نهادهای مورد اختلاف در فقه امامیه است. در مورد ماهیت و وضعیت حقوقی این نهاد بین فقهای امامیه اختلاف نظر شدید وجود دارد. اختلاف نظر مراجع و فقها در خصوص ماهیت و وضعیت حقوقی این نهاد، شبهاتی را در این خصوص مطرح کرده و نحوه استفاده از آن، همچنان محل اختلاف است. شناخت آثار این قرارداد و تفسیر روابط حقوقی طرفین آن منوط به توصیف حقوقی صحیح و شناخت دقیق وضعیت حقوقی آن می‌باشد. در خصوص ماهیت این نهاد حقوقی می‌توان گفت تا قبل از سال ۱۳۸۹ بیع تلقی می‌شد، ولی با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه اگرچه از نظر تحلیلی بیع محسوب می‌شود، ولی به عنوان عقدی معین شناخته شده و احکام و آثار خاص برای آن در نظر گرفته شده است. در رابطه با وضعیت حقوقی این نهاد حقوقی پس از تجزیه و تحلیل اقوال مختلف فقهی این نتیجه حاصل شد که از بین اقوال مختلف فقهی، نظریه صحت مطلق قرارداد خرید دین، مبنای قانونگذار در پذیرش آن به عنوان یک ابزار مالی جدید در سیستم بانکی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: خرید دین، تنزیل، حقوق بانکی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۳.

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد / Mahmood.arabshahi@yahoo.cim

*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد / zahedian.mojtaba@yahoo.com

مقدمه

یکی از اولویتهای اصلی بانکداری اسلامی طراحی و ابداع ابزارهای مالی جدید در زمینه افزایش کارایی، جذب و تخصیص منابع و نیز مدیریت ریسک فعالیت‌های بانکی است. ظرفیت بالای عقود اسلامی در این زمینه راهگشا بوده است و متخصصان و طراحان بازارهای مالی کوشیده‌اند با بهره‌گیری از ظرفیت بالای عقود اسلامی و ابداع ابزارهای مالی متنوع که توان پاسخگویی به اهداف، سلیق و نیازهای فعالان اقتصادی را داشته باشد، زمینه رشد اقتصادی و توانمندسازی سیستم بانکی کشور را فراهم آورند. طراحی عقد خرید دین در راستای ابداع ابزارهای مالی جدید صورت گرفته است؛ به این صورت که پس از طرح موضوع در شورای فقهی بانک مرکزی و تشریح آن در نظام حقوقی بانکی، پیشنهاد اضافه شدن عقد خرید دین (همچنین استصناع^۱ و مرابحه)^۲ به برنامه پنجم توسعه توسط بانک مطرح شد و نهایتاً با تصویب مجلس شورای اسلامی به طور رسمی در سیستم حقوقی کشور مورد شناسایی قرار گرفت. طرح برخی شبهات و ایرادات شرعی، استفاده از این شیوه را با چالش‌ها و مناقشات مواجه نموده است. مناقشات و چالش‌های مطرح شده به اختلاف نظر در خصوص ماهیت و وضعیت حقوقی قرارداد خرید دین، برمی‌گردد. به علاوه با توجه به اختلاف نظر مراجع و فقها در خصوص ماهیت و وضعیت حقوقی قرارداد خرید دین، نحوه استفاده از آن و کاربرد آن در سیستم بانکی همچنان محل اختلاف است، لذا ضرورت این پژوهش از این جهت است که با تبیین دقیق ماهیت حقوقی قرارداد خرید دین و همچنین تعیین وضعیت حقوقی آن بر مبنای موازین فقهی و مبنای قانونی بتوان شبهات و ایرادات مطرح شده را مرتفع نمود و آن را به عنوان یک ابزار نوین مالی در نظام بانکداری اسلامی مورد استفاده قرارداد.

این موضوع اگرچه تاحدودی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است، لیکن خلاءهایی در آنها مشاهده شد که در این تحقیق سعی شده است خلاءهای موجود برطرف شود.

۱. «استصناع» از ریشه صَنَعَ و مصدر باب استفعال در ثلاثی مزید و به معنای طلب ساخت یا تولید است. استصناع قراردادی است با تولیدکننده برای ساختن چیزی که در آن خریدار «مُستَصْنِع»، فروشنده یا تولیدکننده «صَنِيع» و کالای ساخته شده «مصنوع» نامیده می‌شوند، یا توافقی است بین تولیدکننده (به عنوان فروشنده) و خریدار برای فروش کالایی که هنگام انعقاد قرارداد وجود ندارد و به سفارش خریدار با اوصاف معین در آینده ساخته و تحویل می‌شود.

۲. «مرابحه» معامله‌ای است که فروشنده قیمت تمام شده کالا (قیمت خرید و هزینه مربوط) را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی را به عنوان سود می‌کند.



آنچه تاکنون بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، تنزیل اسناد تجاری به عنوان یکی از رایج‌ترین اقسام خرید دین بوده و مطلب دیگر اینکه سابقه فقهی نهاد حقوقی خرید دین مورد توجه چندانی قرار نگرفته است.

در پژوهشی که توسط کریمی گلنار و همکار (۱۳۷۵) با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی تنزیل اسناد و اوراق بهادار با تأکید بر مقررات جدید بانکی» صورت گرفته است خرید دین، یکی از نهادهای مورد اختلاف در فقه امامیه مطرح شده و تنزیل به عنوان یکی از اقسام خرید دین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، لیکن اقوال مختلف فقهی را در خصوص این موضوع به اجمال مطرح شده است.

در مقاله دیگری با عنوان «بررسی مشروعیت خرید دین (تنزیل اسناد و اوراق تجاری) در بانکداری اسلامی از منظر فقه امامیه» که توسط عقابایی و همکار (۱۳۹۲) به رشته تحریر در آمده است، چنین نتیجه گرفته شده است که مشروعیت خرید دین منوط به تحقق شرایطی است، من جمله اینکه فروش سند تجاری به شخص ثالث به مبلغی کمتر از مبلغ آن، صورت پذیرد. این نتیجه قابل انتقاد است و نتیجه مطرح شده صرفاً مربوط به یکی از نظریه های مطرح شده در فقه است.

در مقاله دیگری با عنوان «خرید و فروش دین (تنزیل)» که توسط سید باقر موسوی تألیف شده است، نظریات مختلف فقهی در خصوص موضوع، مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است (موسوی، ۱۳۸۱) لیکن خلاء پژوهش مذکور این است که مقررات جدید بانکی در آن مطرح نشده است.

در این تحقیق برآنیم که با تعیین ماهیت قرارداد خرید دین و شناسایی وضعیت حقوقی آن، بتوان به شبهات و ایرادات مطرح شده پاسخ داد. در واقع شناخت آثار قانونی این قرارداد و تفسیر روابط حقوقی طرفین آن منوط به توصیف حقوقی صحیح این نهاد حقوقی و شناخت دقیق وضعیت حقوقی آن می‌باشد.

۱. تعریف خرید دین

بدون تردید شناخت احکام خرید دین و آثار آن و همچنین استفاده کاربردی از آن منوط به درک مفهوم و تبیین ماهیت آن است، لذا ابتدا به ارائه تعریف مفهوم خرید دین پرداخته و سپس عنوان حقوقی و به عبارتی ماهیت آن را با لحاظ احکام فقهی و مقررات قانونی مورد شناسایی و تدقیق قرار می‌دهیم.

أ) تعریف خرید دین در فقه امامیه

در فقه امامیه تعریف خاصی از خرید دین ارائه نشده است، لیکن احکام مربوط به آن تحت عنوان بیع الدین مطرح شده است. در واقع می‌توان گفت که بیع دین یکی از

فروعات بیع است. علامه حلی در قواعد الاحکام در این خصوص آورده است: چنانچه دین به عهده شخصی با شد، صاحب دین می‌تواند آن را به شخص دیگر به کمتر از مقدار دین یا مساوی آن بفروشد. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۱۲۷)

ب) تعریف خرید دین در حقوق ایران

در قانون مدنی تعریفی از قرارداد خرید دین ارائه نشده است. در قانون عملیات بانکی بدون ربا تنها در بند ۵ از ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا، در بخش وظایف نظام بانکی از این روش تحت عنوان «انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات» یاد شده است. (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۸۵) در ماده دوم آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) آمده است

بانکها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم، جهت واحدهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی، اسناد و اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها را طبق ضوابط آیین‌نامه تنزیل نمایند. (والی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۹۰)

در دستور العمل اجرایی خرید دین، مصوب شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ در تعریف قرارداد خرید دین آمده است:

خرید دین قراردادی است که به موجب آن، شخص ثالثی دین مدت‌دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از وی خریداری می‌کند.

تعریف ارائه شده در دستورالعمل، تعریف جامعی نیست، چرا که مبنای قانونگذار در پذیرش قرارداد خرید دین به عنوان یک ابزار مالی در سیستم بانکی^۱ نظریه صحت مطلق قرارداد خرید دین می‌باشد، (ملاکریمی، ۱۳۹۱: ۴۶) لذا تعریف ارائه شده نیز می‌بایست متغیرهای مربوط به اقسام مختلف خرید دین را در برگیرد.

خرید دین به اعتبار موضوع به دین به عین و دین به دین؛ به اعتبار خریدار دین به خرید دین توسط مدیون و خرید دین توسط ثالث؛ به اعتبار مقدار ثمن به کمتر از دین و به مقدار دین و همچنین به اعتبار حلول دین به قبل از حلول دین و بعد از حلول دین منقسم می‌شود. با رعایت این متغیرها می‌توان گفت: خرید دین قراردادی است که به موجب آن، دین حال یا مؤجل به کمتر یا بیشتر و یا معادل مبلغ اسمی آن به صورت نقدی و یا غیر نقدی از طلبکار، توسط مدیون یا ثالث خریداری می‌شود. (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۵: ۶)

۱. سابقه تقنینی استفاده از عقد خرید دین در نظام بانکی در ادامه پژوهش خواهد آمد.

۲. ماهیت حقوقی خرید دین

أ) خرید دین، قرارداد خصوصی و مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی

عده‌ای معتقدند در بیع، فقط عین مورد انتقال قرار می‌گیرد و انتقال دین مشمول ضوابط و مقررات بیع قرار نمی‌گیرد. (انصاری، ۱۴۱۰ق: ۲۲۲)^۱ از دیگر فقها که عین بودن مبیع را شرط می‌دانند می‌توان به شیخ محمد حسن نجفی (نجفی، بی تا: ۲۰۸) و شیخ طوسی اشاره نمود. (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۷۶)^۲ چنانچه قائل به نظر این دسته از فقها شویم، قرارداد خرید دین را باید یک قرارداد خصوصی در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی تحلیل نمود. توضیح اینکه در خصوص اختصاص داشتن مبیع به اعیان، ادعای اجماع بین فقها شده است. (فرامرزی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

ب) قرارداد خرید دین، مصداقی از عقد بیع

اشاره شد که عده‌ای از فقها عین بودن مبیع را شرط تحقق بیع می‌دانند و حتی بر آن ادعای اجماع شده است و یکی از ایرادات در بیع تلقی نمودن قرارداد خرید دین، همین امر می‌باشد. در این خصوص باید گفت شهید اول در لمعه تأکید به انتقال ملک نموده آنجا که بیان داشته «و هو الايجاب و القبول الدالان علی نقل الملك به عوض معلوم». (امینی و آیتی، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

از فقهای معاصر نیز امام خمینی علیه السلام در کتاب *البیع* بیان می‌دارد:

بیع غیر اعیان نزد عرف و عقلا بسیار متداول است، چنان که زارعین هنگام مهاجرت و ترک مزارع، آثار اعمالشان بر زمین را می‌فروشند. بیع حقوق و منافع، هم بیع عرفی و هم لغوی است و قائل به این امر می‌باشند. ملکیت از اعراض خارجی نبوده بلکه از اعتبارات عقلایی است و می‌توان آن را برای موضوع اعتباری دیگری، اعتبار نماییم. (امام خمینی، ۱۴۲۱ق: ۲۰)

آیت الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به استفتائی مبنی بر اینکه آیا فروش دانش فنی و واگذاری آن بیع محسوب است، پاسخ داده است:

بیع دانش فنی به شرط آنکه حد و حدود آن روشن شود، مانعی ندارد و از قبیل بیع منافع است و حق این است که بیع اختصاص به اعیان ندارد و بیع منافع هم نوعی بیع است. (ماندگار، ۱۳۸۷: ۲۷۷)

۱. و هو الاصل كما عن المصباح مبادلة مال بمال و الظاهر اختصاص المعوض بالعين فلا يعم ابدال المنافع به غيرها... و لعله لما اشتهر في كلامهم من ان البيع نقل الاعيان....

۲. البيع هو انتقال عين مملوكة من شخص الى غيره به عوض مقدر على وجه التراضي.





در بین حقوقدانان نیز در خصوص شرط عین بودن مبیع اختلاف نظر وجود دارد. گروهی معتقدند مبیع الزاماً باید شیء و در واقع از اعیان متجسم خارجی باشد. (ر. ک: امامی، ۱۳۷۵: ۴۲۵) و عده‌ای با این استدلال که قید عین در ماده ۳۳۸ جهت تمییز عقد بیع از اجاره به کار رفته است، بر این عقیده می‌باشند که نیازی نیست مبیع از اعیان متجسم و موجود در خارج باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۲)

با وجود نظریات مخالف مبنی بر اینکه عین بودن مبیع را شرط تحقق بیع نمی‌دانند می‌توان اجماع ادعا شده را (شرط تحقق بیع، عین بودن مبیع است) مورد تردید و مناقشه قرارداد و قائل به بیع تلقی نمودن قرارداد خرید دین شد. قابل توجه اینکه شیخ محمد حسن نجفی نیز مدعی تحقق اجماع در ما نحن فیه شده است.^۱ (نجفی، همان: ۲۰۳) با تأمل و تدقیق در مفهوم اصطلاح عین، می‌توان ایراد مطرح شده را بر طرف نمود. در بیان معنای لغوی عین گفته شده است: «ذات هر چیز و نفس شیء» را گویند. (معین، ۱۳۸۶: ۶۹۲)

این معنا مبین این است که در علم لغت منظور از عین، شیء متعین و متجسم خارجی نیست. دیدگاه برخی از دانشوران بر این مبنا استوار است و مفهوم عین را شامل اعیان غیر متعین و متجسم می‌دانند. (گرچی، ۱۳۷۵: ۳۲۶)

ایشان در مقاله‌ای دیگر با استدلالی متفاوت نیز همین نتیجه را (عدوم لزوم عین بودن مبیع) را گرفته‌اند با این بیان که:

شمول ادله صحت، فرع بر قابلیت موضوع برای نقل است و تمسک به این ادله با شک در قابلیت نقل، تمسک به دلیل است در شبهه مصداقیه با شک در صدق، و آن هم جایز نیست. (گرچی، ۱۳۷۵: ۷۰)

به نظر ایشان موضوعات ادله صحت اموری عرفی هستند و حقیقت ثابتی ندارند تا مورد شک و شبهه مصداقیه این ادله بدانیم، بلکه بر اساس زمان و مکان و دیگر شرایط، مختلف می‌شوند. به عنوان مثال امروزه در مورد واگذاری حق السکنی و حق التألیف و... کلمه بیع یا فروش را به کار می‌برند در حالی که در گذشته چنین نبوده است. (گرچی، ۱۳۷۵: ۷۰)

تحلیل دیگری که از واژه عین در تعریف بیع در آثار فقها و تعریف بیع در ماده ۳۳۸ قانون مدنی مطرح شده است اینکه گاهی عین به معنای وجود مادی و محسوس به کار می‌رود که در این معنی، عین در مقابل اشیاء غیر مادی نظیر حق اختراع قرار می‌گیرد. اما گاهی عین در مقابل منفعت به کار می‌رود که منظور اصل خود مال است. منظور فقیهان از عین، عین در برابر منفعت بوده، لیکن همواره از عین، فرد اجلای آن به ذهن

۱. لاخلاف و لا اشکال فی اعتبار کون المبیع عیناً و لذلک اشتهر بینهم انه لنقل الاعیان...



متبادر می‌شود. عینی که به مفهوم اصل ماده بوده و در مقابل منفعت قرار می‌گیرد جای خود را به معنای خارجی بودن مال و تعیین داشتن آن داده است. (کریمی، ۱۳۹۰: ۶۲) دکتر کریمی علت اینکه برخی فقیهان به رغم اینکه مبیع را منحصر در عین ندانسته و شامل حق و غیره می‌دانند، ولی در عین حال عقد بیع را مبادله عین تعریف کرده‌اند همین امر می‌دانند.

تحلیل فوق را در ما نحن فیه (خرید دین) نیز می‌توان به کار گرفت (کریمی، همان: ۶۳) و ایراد عین نبودن موضوع قرارداد (دین) را بر طرف نمود.

علاوه بر آنچه در سطور فوق در خصوص پاسخ به ایراد عین نبودن موضوع قرارداد در عقد خرید دین مطرح شد، مطلب قابل ذکر دیگر در تقویت نظریه بیع تلقی نمودن قرارداد خرید دین اینکه در کتب فقهی مباحث مربوط به خرید دین ذیل عنوان بیع الدین مطرح شده است و احکام بیع را بر آن بار نموده‌اند. (عاملی جبعی، ۱۴۱۰ق: ۱۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق: ۴۵۷؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷: ۶؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق: ۳۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۶)

بنابر آنچه در سطور فوق آمد ماهیت حقوقی قرارداد خرید دین را می‌توان به عنوان مصداقی از عقد بیع تحلیل نمود و احکام و آثار عقد بیع را در آن جاری ساخت.

ج) قرارداد خرید دین به عنوان عقدی معین و مستقل

نظریه دیگری که در خصوص ماهیت حقوقی عقد خرید دین مطرح می‌شود اینکه عقد مذکور در کنار سایر عقود معین به عنوان عقدی با نام و آثار و احکام خاص خود توسط قانونگذار مورد شناسایی قرار گرفته است.

در سال ۱۳۸۹ و با گنجانده شدن عقد خرید دین در برنامه پنجم توسعه می‌توان گفت عقد خرید دین به صورت رسمی در سیستم حقوقی کشور مورد شناسایی قرار گرفته که با تصویب قانون مذکور می‌توان گفت که عقد خرید دین از نظر تحلیلی بیع است، ولی خود از عقود مستقل است. در واقع می‌توان گفت تا قبل از سال ۱۳۸۹ بیع تلقی می‌شد، ولی با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه، قانونگذار این عمل حقوقی را به عنوان عقدی معین در کنار سایر عقود معین شناخته و احکام و آثار خاصی را برای آن در نظر گرفته است. (محقق داماد، همان: ۸)

۳. وضعیت حقوقی خرید دین در فقه امامیه و حقوق ایران

مفهوم خرید دین و ماهیت حقوقی آن روشن شد و وضعیت حقوقی آن (صحت - بطلان) نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. علیرغم شناسایی و اعتباربخشی قانونگذار به آن، جهت استفاده سیستم بانکی به واسطه اختلاف نظر مراجع و فقها در صحت و



بطلان آن و تقیید صحت آن به شرایطی توسط برخی فقها و به علاوه طرح برخی ایرادات شرعی در استفاده از آن در سیستم بانکی، و وضعیت حقوقی عقد خرید دین و همچنین نحوه استفاده از آن محل اختلاف است.

أ) وضعیت حقوقی خرید دین در فقه امامیه

چنان که اشاره شد فقه امامیه در خصوص خرید دین، مبین این امر است که نظرات مختلفی در این خصوص مطرح شده است. چند متغیر و معیار وجود دارد که سبب طرح نظریات متفاوت توسط فقها شده است. با توجه به متغیرها و معیارهای فوق، اقوال مختلف در خصوص صحت و بطلان عقد خرید دین مطرح شده است که می‌توان در چند قسم به نحو ذیل آن را جمع‌بندی نمود.

یکم) بیع دین حال و بیع دین مؤجل

عده‌ای بین بیع دین حال و مؤجل به این نحو که بیع دین حال را صحیح و بیع دین مؤجل را باطل می‌دانند، قائل به تفصیل می‌شوند. (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۸ق: ۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۶؛ مکی، ۱۴۱۸ق: ۳۱۳)

دلایلی که این عده از فقها برای توجیه این نظریه ارائه می‌کنند، به این شرح است:
الف) اجماع؛

ب) صحت بیع متوقف به مالکیت بایع است و اگر دین مؤجل با شد، طلبکار بالفعل مالک چیزی در ذمه مدیون نیست؛

ج) از شرایط بیع قدرت تسلیم مبیع است و در دین مؤجل طلبکار قادر به تسلیم مبیع نمی‌باشد.

در مقابل عده‌ای تفاوتی بین خرید دین قبل از حلول و بعد از حلول قائل نیستند و در هر حال حکم به صحت داده‌اند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۹۸؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق: ۳۹)

این عده اجماع مورد ادعای گروه نخست را قابل استناد ندانسته و معتقدند که نظر اکثریت غیر از آن است و دلیل گروه نخست را که مالکیت بالفعل برای فروشنده دین مؤجل قائل نیستند، مورد اشکال قرار داده‌اند به این صورت که طلبکار (فروشنده دین مؤجل) بالفعل مالک دین در ذمه بدهکار می‌باشد و صرفاً حق مطالبه بالفعل آن را ندارد و در صحت بیع، آنچه معتبر است مالک بودن بایع است نه حق مطالبه.

استدلال دیگری که در توجیه نظریه خود مطرح می‌کنند عمومیت ادله صحت وفای به عهد است و اینکه دلیل خاصی که بتواند با عمومیت ادله تعارض داشته باشد، وجود ندارد.

دوم) بیع دین به عین و بیع دین به دین^۱

مشهور فقها بر این عقیده می‌باشند که بیع دین به دین باطل است (ر.ک: موسوی خویی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۳) و بیع دین به عین صحیح است. به عبارتی بیع دین به ثمن حال صحیح است و بیع دین به ثمن مؤجل باطل است. مستند این تفصیل روایت نبوی «لایباع بیع الدین بالدین» است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۹)

آنچه در بررسی این روایت اهمیت دارد مفهوم دین در عبارت «... بالدین» است که به عنوان ثمن معامله می‌باشد. عده‌ای معتقدند در روایت از بیع دین به دین نهی شده و نهی در معاملات دلالت بر فساد دارد و دین در روایت به صورت مطلق آمده است و هم آنچه را که پیش از معامله دین باشد در بر می‌گیرد و هم آنچه را که بر اثر معامله دین شده و در ذمه قرار گرفته شامل می‌شود.

شهید ثانی استدلال فوق را این گونه پاسخ می‌دهد:

تنها در جایی نمی‌توان دین را عوض برای دین قرارداد که در زمان عوض واقع شدن، عنوان دین بر آن صادق باشد، چرا که لازمه وارد شدن حرف «باء» بر دین در عبارت «بیع دین بالدین» همین است، درحالی که آنچه در زمان عقد مضمون است، دین نیست، بلکه پس از عقد به دین تبدیل می‌شود. بنابراین دین به دین محقق نمی‌گردد. همین وضعیت در مورد فروش دین به ثمن نقدی به وجود می‌آید، بدون آنکه میان این دو مورد تفاوت آشکاری باشد.^۲ (امینی و آیتی، ۱۳۸۷: ۲۱۹)

دیدگاه شهید ثانی دیدگاه مشهور فقه امامیه است که بر این اساس، روایت مذکور ناظر به فرضی است که عوض خرید دین از ابتدا دین باشد، نه اینکه به واسطه اجل قراردادی در خرید دین به صورت دین در آید. (آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰: ۲۰۲)

سوم) خرید دین به مقدار دین و کمتر از دین

عده‌ای بین خرید به میزان دین یا به کمتر از آن قائل به تفصیل شده‌اند. شهید اول در لمعه فروختن دین به کمتر یا بیشتر از مقدار آن را صحیح می‌داند و معتقد است که مدیون جز همان مبلغی را که خریدار دین به فرو شده دین داده است، وظیفه ندارد به خریدار دین پرداخت کند (مکی عاملی، ۱۳۷۹: ۲۶۸) و مستند نظر خود در خصوص عدم

۱. بیع دین به ثمن حال و بیع دین به ثمن مؤجل.

۲. أن الدین الممنوع ما كان عوضاً حال كونه ديناً بمقتضى تعلق الباء به و المضمون عند العقد ليس بدین آنما یصیر دیناً بعده، فلم یتحقق بیع الدین به و لانه یلزم مثله فی بیعه بحال و الفرق غیر واضح.



الزام مدیون به پرداخت بیش از آنچه خریدار دین به فروشنده دین پرداخت نموده، روایت محمد بن فضیل از علی ابن موسی الرضا علیه السلام اعلام می‌دارد:

از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم که مردی دینی را می‌خرد و بعد به سراغ بدهکار می‌رود و آن را مطالبه می‌کند. حضرت علیه السلام می‌فرماید: بدهکار فقط آنچه را مشتری به طلبکار داده به او می‌پردازد و ذمه‌اش از مابقی بری می‌شود.^۱

اشکالاتی بر ضعف سند روایت و همچنین اشکالاتی بر دلالت این روایت مطرح شده است. شهید ثانی سند روایت را ضعیف می‌داند و با استناد به عموم ادله‌ای که بر وجوب وفای به دین دلالت می‌کند این نظر را مردود می‌داند و معتقد به صحت بیع در این فرض (بیع دین به کمتر از میزان دین) می‌باشد و این قول را قول قوی‌تر معرفی می‌کند و حکم به وجوب پرداخت تمام مبلغ دین توسط مدیون داده است؛ البته رعایت شرایط ربا را الزامی می‌داند (امینی و آیتی، همان: ۲۱۹) به این شرح که در فرض خرید دین به مبلغ کمتر از دین، عوض و معوض (دین و عوض دین) از یک جنس نباشد و همچنین مکیل و موزون نباشد، لذا اگر عوض و معوض از یک جنس باشند و از اجناسی باشند که اندازه‌گیری آنها به صورت کیل و وزن صورت می‌گیرد، معامله صورت گرفته، ربوی است.

چهارم) خرید دین توسط مدیون و خرید دین توسط شخص ثالث

عده‌ای که اکثریت فقها را شامل می‌شوند بیع دین چه به مدیون و چه به شخص ثالث را صحیح می‌دانند و قائل به تفصیل نیستند و در توجیه نظریه خود این‌گونه استدلال نموده‌اند که «أفوا بالعقود» از عمومیت برخوردار است و عمومیت آن شامل خرید دین به مدیون و غیر آن می‌شود و دلیلی بر اینکه بیع دین به ثالث از عمومیت آن خارج و مستثنی شده باشد، در دسترس نیست. (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق: ۲۲)

عده‌ای این‌گونه استدلال نموده‌اند که در بیع دین به ثالث، مقتضی موجود و مانع مفقود است و از طرفی دلیلی بر بطلان آن وجود ندارد و حتی شهرت نظریه صحت بیع دین به ثالث را نزدیک به اجماع دانسته‌اند. (حسینی، ۱۴۱۶ق: ۴۸۱)

۱. محمد بن یحیی و غیره عن محمد بن احمد بن عیسی عن محمد بن الفضیل قال قلت الرضا علیه السلام: رجل اشتریته دیناً علی رجل، ثم ذهب الی صاحب الدین فقال له: ادفع الی مال فلان علیک فقد اشتریته منه. فقال: یدفع الیه قیمته ما دفع الی صاحب الدین و برئ الذمة علیه المال من جمیع مابقی.



عده‌ای بین اینکه خریدار دین، شخص مدیون باشد یا شخص ثالث، قائل به تفصیل شده‌اند به این نحو که بیع دین به مدیون را درست می‌دانند و بیع دین به غیر مدیون را باطل می‌دانند. (ابن ادریس حلی، همان: ۳۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق: ۱۷۵)^۱

به هر حال با توجه به متغیرها و معیارهای فوق، همچنان که اشاره شد، عده‌ای در حکم به صحت یا بطلان بیع دین بر اساس معیارهای مذکور قائل به تفصیل شده‌اند. در مقابل عده‌ای از فقها هیچ تفصیلی در مسئله قائل نشده‌اند؛ اینکه دین موضوع قرارداد بیع دین، حال باشد یا مؤجل، اینکه دین به ثمن حال فروخته شود یا به ثمن مؤجل و اینکه به مقدار دین فروخته شود یا به کمتر از آن و اینکه به مدیون فروخته شود یا ثالث، هیچ کدام را مؤثر در موضوع ندانسته‌اند، منتهی این گروه خود نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند، عده‌ای بدون ارائه هیچ تفصیلی معتقد به بطلان بیع دین هستند. شیخ طوسی این نظر را به شافعی نسبت داده است.

عده‌ای دیگر که فقیهان معاصر و بسیاری از فقهای پیشین را در بر می‌گیرد نیز بدون ارائه هیچ تفصیلی معتقد به صحت مطلق بیع دین می‌باشند. آیت الله خویی در کتاب *منهاج الصالحین* می‌نویسد: بیع دین در مقابل مال موجود صحیح است، هر چند ثمن کمتر باشد. (موسوی خویی، همان: ۱۷۳)

تعداد زیادی از فقها معاصر نیز از جمله آیات عظام حسینی سیستانی (حسینی سیستانی، ۱۴۱۹ق: ۵۶۲) شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۴۳۰ق: ۴۹۰) مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۴۲۷ق: ۲۳۵) فاضل موحدی لنگرانی (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۶ق: ۵۲۶) از معتقدین به صحت مطلق خرید دین می‌باشند.

خلاصه استدلال معتقدین به صحت مطلق بیع دین، این است که حقیقت این معامله بیع محسوب می‌شود و ادله عام «أوفوا بالعقود» و آیه «ألا ان تكون تجارة عن تراض» شامل آن می‌شود و چون مخصصی برای این ادله نیست، حکم به صحت آن می‌شود و از طرفی چون تمام دین موضوع معامله قرار گرفته است، مشتری می‌تواند تمام دین را از مدیون بگیرد.

۱. در این خصوص استفتائی از حضرت امام علیه السلام صورت گرفته که متن پرسش و پاسخ آن به این شرح است:

سؤال: اگر کسی در مقابل طلبی که دارد سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن، به کمتر از آن بفروشد، اشکال دارد یا نه؟ جواب: اگر سفته یا برات را به خود بدهکار بفروشد به کمتر، مانع ندارد ولی فروش آن به غیر مدیون به کمتر، ربا و حرام است.



۴. وضعیت حقوقی خرید دین در حقوق ایران

تعیین وضعیت حقوقی خرید دین در حقوق ایران مستلزم بررسی سابقه تقنینی خرید دین در سیستم حقوقی ایران می‌باشد. علیرغم سابقه فقهی طولانی نهاد حقوقی خرید دین و همچنین رواج عرفی و معاملاتی نهاد مذکور بین تجار، نهاد مذکور فاقد سابقه قانونی طولانی در سیستم حقوقی کشورمان می‌باشد و نه تنها در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به عنوان عملی از اعمال حقوقی پیش بینی نشده، بلکه در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و سایر مقررات و اصلاحات بعدی آن نیز سابقه‌ای از این نهاد مشاهده نمی‌شود. مطالعه و بررسی نهاد مذکور در نظام بانکی کشور مبین این است که در دهه اخیر تا حدودی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. اولین قانون بانکداری در سال ۱۳۳۴ به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسید که در قسمتی از آن حدود عملیات بانک‌ها با ذکر عملیات ممنوع و ذخایر قانونی مشخص شده است. پس از آنها قانون پولی و بانکی کشور مورد تصویب قرار گرفت که فقط به ذکر عملیات ممنوع پرداخته و عملیات مجاز به نظر شورای پول و اعتبار واگذار شده بود که بر این مبنا شورای پول و اعتبار در سال ۱۳۶۱ آیین‌نامه‌ای تحت عنوان آیین‌نامه موقت «تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین)» و مقررات اجرای آن^۱ را به تصویب رساند که عدم مغایرت آن با موازین شرعی و قانونی اساسی به تصویب شورای نگهبان رسیده است.

این آیین‌نامه بدون اینکه عقد خرید دین را تعریف نماید، صرفاً به بانک‌ها اجازه داده که با رعایت شرایطی، اوراق و اسناد تجاری را به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی آنها تنزیل نمایند. قابل توجه اینکه حداکثر نرخ تنزیل^۱ این آیین‌نامه ۱۲٪ تعیین شده بود.

در سال ۱۳۶۲ علی‌رغم تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، با توجه به عدم پیش بینی و تجویز عقد خرید دین در قانون مذکور به عنوان یکی از عقود مورد استفاده در نظام بانکی، بانک‌ها همچنان بر اساس آیین‌نامه مذکور (مصوب ۱۳۶۱/۸/۲۶) برای تنزیل اسناد تجاری استفاده می‌نمودند؛ البته به دلیل وجود برخی شبهات، استفاده از این قالب، توسط بسیاری از بانکها محدود شد. (السان، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

آیین‌نامه فوق اولین مقرره‌ای بود که به بیان مقررات شکلی و ماهوی تنزیل اسناد تجاری (خرید دین) پس از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای انطباق عملیات بانکی با مبانی بانکداری اسلامی پرداخت.

در سال‌های بعد نیز در برخی از مقررات بانکی بر استفاده از عقد خرید دین تأکید شده است. به عنوان نمونه آیین‌نامه اجرایی گشایش اعتبارات اسنادی اتکایی و تنزیل اسناد

۱. تفاوت قیمت خرید و مبلغ اسمی اسناد تجاری.



اعتبارات اسنادی صادراتی (مصوب سال ۱۳۸۲) و دستورالعمل اجرایی اعتبار در حساب جاری در قالب خرید دین (مصوب ۱۳۸۵) از جمله مقرراتی است که در آنها بانک مرکزی به بانکها اجازه داده است که از عقد خرید دین، جهت تنزیل اعتبارات اسنادی صادراتی و یا اعطای اعتبار در حساب جاری مشتریان، استفاده نمایند.

در سال ۱۳۹۰ با تصویب قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار در ماده ۹۸ این قانون با اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا مقرر نمود به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، عقود اسلامی «استصناع»، «مراجه» و «خرید دین» اضافه می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده به تصویب هیئت وزیران رسید، لذا با تصویب این قانون، استفاده از عقد خرید دین جنبه قانونی به خود گرفت. آیین‌نامه اجرای این ماده نیز در مدت کوتاهی تدوین و به تصویب هیئت وزیران رسید.

به موجب مصوبه شماره ۹۸۲۹۷/ت/۴۶۷۳۸/هـ (مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۲) هیئت وزیران، بخش‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ به آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، الحاق گردید که بخش ۱۶ این آیین‌نامه به عقد «خرید دین» اختصاص یافته است.

در ماده ۸۶ الحاقی به این آیین‌نامه، عقد خرید دین چنین تعریف شده است. خرید دین قراردادی است که به موجب آن شخص ثالثی، دین مدت‌دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از دائن خریداری می‌کند.

همین تعریف در ماده ۱ دستورالعمل اجرایی آن نیز عیناً تکرار شده است. در ماده ۸۷ آیین‌نامه مذکور نیز پیش‌بینی شده که بانکها در تمامی بخش‌های اقتصادی می‌توانند در چارچوب این عقد، دیون موضوع اسناد و اوراق تجاری مدت‌دار متقاضیان را خریداری نمایند.

دستورالعمل اجرایی عقود سه‌گانه استصناع، مراجه و خرید دین، در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و به موجب نامه شماره ۹۰/۱۴۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۰ جهت اجرا از سوی بانک مرکزی ابلاغ گردید که در حال حاضر مبنای اصلی قانونی تنزیل اسناد تجاری در نظام بانکی به شمار می‌رود.

مطالعه آیین‌نامه مذکور و دستورالعمل مصوب شورای پول و اعتبار مشخص‌کننده این امر است که شرایطی برای تنزیل اسناد تجاری پیش‌بینی شده است که بیان تفصیلی آن در این مقال نمی‌گنجد و فقط به اختصار اشاره می‌شود که نقدی بودن خرید دین و حقیقی بودن دین موضوع اسناد تجاری و احراز نقد شوندگی آن و اینکه سررسید دین کمتر از یک سال باشد، از جمله مهم‌ترین شرایطی است که پیش‌بینی شده است. (مبین

و امیر حسینی ۱۳۹۴: ۱۲۴)

بر این اساس می‌توان گفت که عقد خرید دین به عنوان یک عقد صحیح در سیستم حقوقی کشورمان مورد شناسایی قرار گرفته است که با رعایت موازین فقهی و قوانین خاص موجود می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نهاد حقوقی خرید دین با سابقه فقهی طولانی در فقه امامیه از نهادهای مورد اختلاف در فقه است، به این نحو که در مورد ماهیت حقوقی و وضعیت حقوقی آن بین فقها و مراجع اختلاف نظر شدید وجود دارد.

اختلاف نظر مراجع و فقها در خصوص ماهیت و وضعیت حقوقی آن، شبهاتی را در این خصوص مطرح و نحوه استفاده از آن همچنان محل اختلاف است. بدیهی است شناخت آثار قرارداد خرید دین و همچنین تفهیم در ست روابط حقوقی طرفین قرارداد منوط به توصیف حقوقی صحیح و شناخت دقیق وضعیت حقوقی آن می‌باشد.

در این راستا با تجزیه و تحلیل نظرات فقها و بررسی موازین قانونی این نتیجه به دست می‌آید که تا قبل از پذیرش رسمی نهاد حقوقی خرید دین در نظام حقوقی، نهاد مذکور بیع تلقی می‌شد، ولی با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه و پذیرش عقد خرید دین به طور رسمی در حقوق ایران و متعاقب آن تصویب آیین‌نامه اجرایی آن و دستورالعمل اجرایی خرید در نظام بانکی، می‌توان گفت که عقد خرید دین خود عقدی مستقل در کنار سایر عقود معین است که احکام و آثار خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. در واقع می‌توان گفت که خرید دین تا قبل از سال ۱۳۸۹ بیع تلقی می‌شد، ولی با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه، قانونگذار این عمل حقوقی را به عنوان عقدی معین در کنار سایر عقود شناخته و احکام و آثار خاصی را برای آن در نظر گرفته است.

در خصوص وضعیت حقوقی آن از مطالعه مباحث فقهی در این خصوص، این نتیجه حاصل می‌شود که در انعقاد عقد خرید دین فروض مختلفی قابل تصور است. در واقع بر اساس متغیرهای خاصی عده‌ای در مواردی حکم به صحت این عقد و در مواردی نظر به بطلان این عقد داده‌اند، از جمله اینکه ثمن موضوع عقد حال باشد یا مؤجل، ثمن به میزان دین موضوع عقد باشد یا کمتر از آن، خریدار دین شخص ثالث باشد یا دین به خود مدیون فروخته شود؛ در هر کدام از این حالات نظرات متفاوتی در فقه مطرح شده است.

در عین حال عده‌ای بدون تفکیک قائل شدن بین این فروض، نظر به صحت مطلق قرارداد خرید دین داده‌اند که به نظر می‌رسد نظریه صحت مطلق قرارداد خرید دین قوی‌تر باشد. در حقوق ایران نیز نظریه صحت مطلق خرید دین مبنای قانونگذار در به رسمیت شناختن نهاد حقوقی خرید دین در نظام حقوقی و بانکی کشور بوده است.

منابع و مأخذ:

أ) كتب

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۴۱۸ق)، *السرائر الحاوی*
تحریر الفتاوی، ج ۲، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۵)، *حقوق مدنی*، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
- امینی، علیرضا، آیتی سید محمدرضا (۱۳۸۷)، *تحریرالروضه فی شرح اللمعة*، ج ۱، ج ۱۳، تهران: سمت / طه.
- السان، مصطفی (۱۳۹۱)، *حقوق بانکی*، تهران: سمت.
- آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۰ق)، *کتاب المكاسب*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بندر ریگی، محمد (۱۳۷۵)، *المنجد*، ج ۲، ج ۱، تهران: انتشارات ایران.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل و سائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق)، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۲۰ق)، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة*، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- _____ (۱۴۱۴ق)، *تذکرة الفقهاء*، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی (فخرالمحققین)، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: اسماعیلیان.
- حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام*، ج ۲، قم: اسماعیلیان.





- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۹ق)، *المسائل المنتخبة للعبادات و المعاملات*، ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ق)، *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة*، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی عمیدی، سید عمید الدین (۱۴۱۶ق)، *کنز الفوائد في حل مشکلات القواعد*، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۳۰ق)، *رساله توضیح المسائل*، قم: سلسبیل.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاص*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، شیخ الطائفة ابی جعفر (۱۴۰۴ق)، *المبسوط في فقه الامامية*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عاملی جبعی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، *الروضة البهیة في الشرح للمعة الدمشقیة*، حاشیه کلانتر، ج ۴، قم: کتابفروشی داوری.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، ج ۵، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی محمد بن مکی (۱۴۱۸ق)، *الدروس الشرعية في فقه الامامية*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالله امین، حسن (۱۳۶۷)، *سپرده های نقدی و راه های استفاده از آن در اسلام*، ترجمه محمد رخشنده، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- عمید، حسن (۱۳۵۵)، *فرهنگ عمید*، ج ۱، ج ۱۰، تهران: جاویدان.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۶ق)، *رساله توضیح المسائل*، قم، [بی نا].
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، *حقوق مدنی، عقود تملیکی، بیع، اجاره، معاوضه، قرض*، ج ۷، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، *مقالات حقوقی*، ج ۲، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه.
- مکی عاملی (شهید اول) (۱۳۷۹)، *اللمعة الدمشقیة*، ترجمه و تبیین: محسن غروی و علی شیروانی، ج ۱۴، تهران: دار الفکر.



- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، *استفتائات جدید*، ج ۲، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، ج ۱، ج ۱۴، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائده و البرهان فی ارشاد الازهان الی احکام الایمان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، *القواعد الفقهیه*، قم: الهادی.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲ق)، *استفتائات*، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)، *بیع*، ج ۱، مؤسسه العروج.
- _____ (بی تا)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۶)، *احکام فقهی بانکدار بدون ربا*، ج ۱، بازنگری حوزه نمایندگی ولی فقیه در بنیاد تعاون بسیج، [بی جا]: وثوق.
- نجفی، محمد حسن بن باقر (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۷، ج ۲۲، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- والی نژاد، مرتضی (۱۳۸۶)، *مجموعه قوانین مقررات بانکی*، ج ۱، تهران: مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

(ب) مقالات

- کریمی، عباس و موسوی، اسماء (۱۳۹۰) «بیع اموال فکری»، *مجله فقه و مبانی حقوقی اسلامی*، س ۴۴، ص: ۷۳-۵۳.
- کریمی گلنار، بهمن و شیرینی، جمشید (۱۳۹۵)، «بررسی فقهی و حقوقی تنزيل اسناد و اوراق بهادار با تأکید بر مقررات جدید بانکی»، *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ش ۱۵، ص: ۱۷۶-۱۵۵.



- عقباتی، فاطمه و رجائی پور، مصطفی (۱۳۹۳) «بررسی مشروعیت خریددین (تنزیل اسناد و اوراق تجاری) در بانکداری اسلامی از منظر فقه امامیه»، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، س ۹، ش ۳۷، ص: ۹۵-۷۶.
- مبین، حجت و امیر حسینی، امین (۱۳۹۴)، «بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، س ۲۲، ش ۷، ص: ۱۲۷-۹۴.
- محقق داماد مصطفی و شیرینی، جمشید و قاسمی، فروغ (۱۳۹۵)، «خرید دین در نظام بانکداری اسلامی»، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۳، ص: ۲۸-۳.
- موسوی، باقر (۱۳۸۱)، «خرید و فروش دین (تنزیل)»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۷، ص: ۸۸-۷۵.
- موسویان، عباس (۱۳۸۹)، «اعتبار در حساب جاری مشارکتی در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد اسلامی ش ۹.
- ملا کریمی، فرشته (۱۳۹۱)، «بررسی فقهی عقود مرابحه، خریددین و استصناع»، نشریه تازه‌های اقتصاد، ش ۱۳۳.

ج) پایان نامه

- فرامرزی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «انتقال مالکیت صنعتی از طریق قرارداد فروش»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ماندگار، مصطفی (۱۳۸۷)، «انتقال قرارداد تکنولوژی در حقوق تجارت بین الملل»، رساله دکتری دانشگاه تهران.